

درآمد کتب
سلوک
معنوی
استاد محمد باقر تحریری

www.ketab.ir

مقصد سلوک * لوازم سلوک
بایسته های سلوک * موانع سلوک * آثار سلوک



واژه‌پرداز اندیشه



عنوان: در آمدی بر سلوک معنوی

دفتر حفظ و نشر آثار استاد محمدباقر تحریری رحمته الله

تألیف: استاد محمد باقر تحریری

ناشر: واژه پرداز اندیشه

ویرایشگر: محمد عباسزاده

شابک: ۹-۱۴-۸۱۲۷-۶۲۲-۹۷۸

چاپ اول: بهمن ۱۴۰۲ * شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بخش فدک: ۹۱۳۳۳۵۳۸ - ۳۱۳۳۳۵۱۴۷

تلفن بخش واژه پرداز اندیشه

۰۲۵ - ۳۷۸۴۱۲۲۳ / ۰۲۵ - ۷۹۷۴۷۵۰

سرشناسه: تحریری، محمدباقر، ۱۳۳۴ - عنوان و نام پدیدآور: واژه پرداز اندیشه بر سلوک معنوی: درآمدی بر تربیت معنوی، مقصد سلوک، لوازم سلوک... / محمدباقر تحریری * مشخصات نشر: قم: انتشارات واژه پرداز اندیشه، ۱۴۰۲. مشخصات ظاهری: ۱۸۲ص. * شابک: ۹-۱۴-۸۱۲۷-۶۲۲-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیپا * یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۷۷ - ۱۸۲. عنوان دیگر: درآمدی بر تربیت معنوی، مقصد سلوک، لوازم سلوک... موضوع: آداب طریقت/ Customs of the order. رده بندی کنگره: BP۲۸۹/۶ * رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۴. شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۷۵۰۷۷ * اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا. تاریخ درخواست: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷ * کد پیگیری: ۹۴۷۳۸۸۹



فهرست مطالب

● سخن ناشر ۱۱

● مقدمه ۱۳

فصل اول: کلیات ۱۷

● گفتار اول: اهمیت تهذیب نفس و توجه به مرتبه نفس انسانی ۱۹

● گفتار دوم: تعریف سلوک معنوی ۲۰

فصل دوم: مقصد سلوک (هدف شناسی) ۲۳

● گفتار اول: معنای لغوی و اصطلاحی هدف ۲۵

● گفتار دوم: اهمیت هدف شناسی ۲۵

● گفتار سوم: انواع هدف در سلوک معنوی ۲۷

● گفتار چهارم: هدف غایی: قرب الهی ۲۸

* مفهوم و حقیقت قرب الهی ۳۱

❖ انواع تقرب الهی ۳۲

● الف) تقرب نظری و جلوه‌های آن ۳۲

● ابعاد توحید ۳۴

● ب) تقرب شهودی ۳۹

❖ جمع بندی ۴۲

فصل سوم: لوازم سلوک ۴۳

● گفتار اول: درک صحیح از دین (دین شناسی) ۴۵

* تأثیر ادراک صحیح بر کمالات معنوی ۴۶

* انواع ادراکات انسان ۴۸

❖ معرفت حصولی و حضوری ۴۸

❖ الف) راه عقلی ۴۹

- ❖ (ب) راه نقلی..... ۵۱
- ❖ (ج) راه قلبی..... ۵۱
- ❖ گفتار دوم: درک بندگی خود..... ۵۲
- ❖ الف) مالکیت استقلالی..... ۵۲
- ❖ ب) مالکیت غیر استقلالی..... ۵۳
- ❖ گفتار سوم: درک ولایت و جلوه های آن..... ۵۴
- ❖ جلوه اول ولایت..... ۵۵
- ❖ جلوه دوم ولایت..... ۵۵
- ❖ جلوه سوم ولایت..... ۵۷
- ❖ گفتار چهارم: عزم..... ۵۸
- ❖ گفتار پنجم: حزم (عاقبت اندیشی)..... ۵۹
- ❖ آثار حزم..... ۶۱
- ❖ گفتار ششم: حسن ظن به خداوند..... ۶۲
- ❖ پیامدهای سوء ظن..... ۶۳
- ❖ انواع حسن ظن..... ۶۴
- ❖ گفتار هفتم: توکل..... ۶۵
- ❖ افراط و تفریط در توکل..... ۶۶
- ❖ فرق توکل و اعتماد به نفس..... ۶۷
- ❖ گفتار هشتم: استقامت..... ۶۹
- ❖ گفتار نهم: همت بلند..... ۷۰
- ❖ گفتار دهم: لزوم علم آموزی در مسیر بندگی..... ۷۲
- ❖ گفتار یازدهم: مدارا و رفق با نفس و بدن..... ۷۵
- ❖ گفتار دوازدهم: تضرع مستمر به درگاه الهی..... ۷۶
- ❖ لزوم درخواست از خداوند..... ۷۸
- ❖ گفتار سیزدهم: دنیا شناسی و دوری از تعلقات دنیا..... ۸۰
- ❖ ۱. پست ترین عالم از عوالم وجود..... ۸۰
- ❖ ۲. رابطه معکوس با حب الهی..... ۸۱
- ❖ ۳. تعفن و تاریکی..... ۸۳

- * ۴. زوال پذیری ۸۳
- * ۵. مصائب و مشکلات ۸۴
- * ۶. جذاییت و دل فریبی ۸۵
- * دنیا، در منظر اولیای الهی ۸۶
- * گفتار چهاردهم: برنامه ریزی و نظم در امور ۹۰
- * گفتار پانزدهم: امید به رسیدن ۹۱

فصل چهارم: بایسته های سلوک ۹۵

- * گفتار اول: توبه ۹۷
- * آثار توبه ۱۰۰
- ❖ ۱. زنگارزدایی از قلب ۱۰۰
- ❖ ۲. گشایش روزی ۱۰۱
- ❖ ۳. نجات از عهت های دنیایی ۱۰۲
- ❖ ۴. محو گناهان ۱۰۳
- ❖ ۵. تبدیل گناهان به خوبی ها ۱۰۳
- * گفتار دوم: مراقبه ۱۰۴
- * مراتب مراقبه ۱۰۵
- ❖ مراتب اخلاص ۱۰۵
- الف) اخلاص از ریا ۱۰۵
- ب) اخلاص از نیت دنیایی ۱۰۶
- ج) اخلاص از مقاصد آخرتی ۱۰۷
- * عوامل تقویت مراقبه ۱۰۹
- ❖ الف) توجه به فرصت کم و غنیمت دانستن آن ۱۰۹
- ❖ ب) توجه به ناظر و شاهد بودن ملائک و اعضای خود ۱۱۰
- ❖ ج) توجه به ناظر بودن خداوند ۱۱۱
- * گفتار سوم: مشارطه، محاسبه، معاتبه، معاقبه ۱۱۱
- * مشارطه ۱۱۲
- * محاسبه ۱۱۲

- * معاقبه ۱۱۴
- * معاقبه ۱۱۴
- گفتار چهارم: تفکر و عبرت آموزی ۱۱۵
- گفتار پنجم: کتمان اعمال و حالات ۱۱۶
- گفتار ششم: رعایت حقوق اجتماعی ۱۱۸
- گفتار هفتم: حزن دائم ۱۱۹
- گفتار هشتم: پرهیز از مشتبهات و مشتبهات ۱۲۱
- * پرهیز از مشتبهات ۱۲۱
- * پرهیز از مشتبهات ۱۲۲
- ❖ پرخوری و آثار آن ۱۲۲
- الف. بیماری و فساد بدن ۱۲۲
- ب- قساوت قلب ۱۲۳
- ج- کمال در عبادت و نماز ۱۲۳
- د- مبغوضات نماز گرفتن ۱۲۴
- ❖ پر خوابی ۱۲۴
- گفتار نهم: اهتمام بر انجام مستحبات ۱۲۵
- سحر خیزی ۱۲۶
- یاد مرگ و رفتن به قبرستان ۱۲۷
- گفتار دهم: ارتباط با عالمان دین ۱۲۸

فصل پنجم: موانع سلوک ۱۳۱

- گفتار اول: وسوسه های شیطانی ۱۳۳
- وسوسه های علمی ۱۳۳
- وسوسه های عملی ۱۳۴
- گفتار دوم: گناهان و ردایل اخلاقی ۱۳۵
- گفتار سوم: ارتباط با اهل غفلت ۱۳۶
- * دوری ظاهری از اهل غفلت ۱۳۷
- * دوری باطنی از اهل غفلت ۱۳۸

● گفتار چهارم: دل‌بستگی به دنیا ۱۳۹

● گفتار پنجم: انکار مقامات معنوی و عرفانی ۱۴۱

فصل ششم: آثار سلوک ۱۴۵

● گفتار اول: آثار دنیایی ۱۴۷

* ۱. نظم در امور ۱۴۷

* ۲. آرامش در زندگی و شادابی ۱۴۸

* ۳. سلامتی جسمانی ۱۴۹

* ۴. گشایش روزی ۱۵۰

* ۵. اصلاح روابط اجتماعی ۱۵۰

* ۶. قناعت ۱۵۲

* ۷. دوری از ظلم و حاکمیت طاغوت ۱۵۳

● گفتار دوم: آثار اخلاقی ۱۵۷

* آثار اعمال ۱۵۷

* آثار مراحل کلی سلوک ۱۵۹

❖ انواع اخلاص ۱۶۰

● الف) اخلاص عملی ۱۶۰

● ب) اخلاص ذاتی ۱۶۲

❖ قرب افعالی ۱۶۴

❖ قرب صفاتی ۱۶۷

❖ قرب ذاتی ۱۷۲

منابع ۱۷۷

سخن ناشر

انسان آفریده‌ای بدیع از میان بی‌شمار آفریدگان حق تعالی است که از «عالم امر» به «عالم خلق» سفر کرده است. سپس مأمور شده تا در سفری پرفراز و نشیب از حوضیمن خاک تا فوق افلاک و از ظلمت طبیعت تا نورالانوار سفر نماید. انبیا و اولیای محقق که خود رهروان این طریق وواصلان این مسیرند، علم معرفت برافراشته‌اند. راه دستیابی به حقیقت را برای طالبان راستین حق، تبیین و ترسیم نموده‌اند.

در عصر غیبت، وارثان انبیا و اوصیا که همان عالمان حق هستند، با تلاش مجاهدانه خویش رهنمایی و رهبری این سفر پرخطر را به مدد غیبی ولی عصر علیه السلام به عهده گرفته‌اند. بزرگانی که هر یک گنجینه‌گران بهای تمدن اسلامی هستند و با تشکیل محافل علم و تربیت، تشنگان معرفت را سیراب می‌کنند و جویندگان حق را به سرمنزل مقصود می‌رسانند.

حضرت آیت الله تحریری از خوشه چینان و توشه برداران خرمن علم و معرفت بزرگانی چون علامه طباطبایی رحمته الله علیه آیت الله بهجت رحمته الله علیه و آیت الله سعادت پرور رحمته الله علیه است. سال‌های متمادی است که مجلس درس ایشان محفل تعلیم معارف عمیق قرآن و عترت و حلقه پرورش طالبان معنویت و معرفت است. از این رو آشنایی و مطالعه آثار این استاد گرانقدر می‌توان چراغ راهی برای عاشقان و طالبان اخلاق و معنویت باشد.

کتاب پیش روی، پژوهشی در قلمرو گام‌های نخستین اخلاق و معنویت می‌باشد که ساختار کلی و اولیه این اثر، توسط جناب آیت الله تحریری ارائه گردید و سپس محتوای آن بر اساس آثار معظم له، تدوین و تنظیم شده است. لازم به ذکر است که تدوین کتاب، کاملاً زیر نظر جناب استاد انجام گرفته و در چند نوبت توسط ایشان با دقت تمام، مطالعه شده و اصلاح گردیده است.

ساختار کتاب در شش فصل تنظیم شده است که عبارت است از: فصل اول: کلیات که به اهمیت تهذیب نفس و تعریف سلوک معنوی می‌پردازد. در فصول بعدی، ارکان و مؤلفه‌های سلوک معنوی در پنج محور اساسی مورد بحث قرار گرفته است که عبارتند از: ۱. مقصد سلوک، ۲. نوازم سلوک ۳. بایسته‌های سلوک ۴. موانع سلوک ۵. آثار سلوک. هریک از این مؤلفه‌ها، فصلی را به خود اختصاص داده است.

به همت مرکز نشر معارف، اخلاق و معنویت آیت الله سعادت پرور و دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله تحریری، این اثر با تلاش پژوهشگر ارجمند جناب حجت الاسلام والمسلمین آقا علی جمال الدین مظلومی زاده تألیف و تدوین شده است. کتاب حاضر می‌تواند برای مطالعه عموم جامعه و همچنین به عنوان متن درسی در سطوح حوزوی، دانشگاهی و عمومی مورد استفاده قرار گیرد.

امید که این اثر، مقبول درگاه حضرت حق تعالی گردد و با توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام مروج تربیت توحیدی شود.



مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلى الله على محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين

قال الله تبارك وتعالى: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا^۱

ذات اقدس الهی که حقیقت لا اله الا الله و لا اله الا الله است، انسان را از مرتبه خاصی از صفات جمال و جلالش^۲ ظهور داده و این فریخ روحش در انسان،^۳ وی را از عوالم نوری و مثالی، به این عالم خاکی تنزل داده است.

تاج ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾^۴ را بر قامت وجودی انسان پوشاند و او را به

عنوان خلیفه مطلق خویش ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۵ در حضور ملائکه

معرفی نمود. ملائکه ای که هر یک مظهر اسم یا اسمایی از خداوند متعال

هستند و ایشان را به خضوع و جود در برابر انسان، امر فرمود: ﴿وَإِذْ قُلْنَا

لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ﴾^۶

۱. «که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده* و آن که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است». شمس، ۹ و ۱۰

۲. «فرمود: ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوق که با دو دستم (صفات جمال و جلال) آفریدم سجده کنی؟ آیا تکبر کردی یا از برترین ها بودی؟! (برتر از این که فرمان سجود به تو داده شود)». ص، ۷۵.

۳. «هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتتید». ص، ۷۲.

۴. «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم». اسراء، ۷۰.

۵. «(به یاد آور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان فرمود: «من بر روی زمین، جانشینی قرار خواهم داد». بقره، ۳۰.

۶. «و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده (و خضوع) کنید!». بقره، ۳۴.

خداوند سبحانه، زمینه‌های گوناگونی را برای رسیدن به مقام خلافت الهی و ظهور دادن این مقام، به انسان عنایت فرمود، مانند ظرفیت بالای علمی انسان که ملائکه با آن عظمت وجودی از آن برخوردار نبودند، به استناد «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»^۱ همچنین فطرت ویژه «فَاللَّهُمَّهَا حُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»^۲ که هم خوبی‌ها و بدی‌ها را درک می‌کند و هم به صورت طبیعی به سوی آن‌ها تمایل دارد. فطرت الهی انسان، در حقیقت توجه و کشش به کمال و جمال، خیر و حقیقت مطلق دارد^۳ و آن با دین الهی که از عالم غیب مطلق الهی تنزل پیدا کرده، منطبق است که «فَأَقْرَهُ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»^۴.

کمال واقعی انسان در پرتو درک حق از باطل و خیر از شر و انتخاب حق از خیر، و بیکار بستن مستمر این دو تحقق می‌یابد.^۵ انسان در این مسیر همواره در میان می‌شود و با باطل‌ها و شرور مواجه می‌گردد و آن‌ها برایش بصورت خیر جلوه‌گری می‌کند. شیطان نیز در این جهت او را وسوسه می‌کند، اما حقیقت جان او را آلوده گرداند. شیطان، انسان را در این عالم و شؤون آن زندانی می‌کند و از صعود به عالم قدس و جایگاه اصلی‌اش باز می‌دارد^۶ و به خسارت وجودی و شقاوت ابدی مبتلا می‌گرداند.^۷

۱. «سپس، تمامی علم اسماء (علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات) را به آدم آموخت». بقره، ۳۱.

۲. «سپس فجور و تقویات (شر و خیرش) را به او الهام کرده است». شمس، ۸.

۳. «ای انسان! تو با تلاش و زنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد». انشاق، ۶.

۴. «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این سرشت الهی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده: دگرگونی در آفرینش الهی نیست». روم، ۳۰.

۵. «چنان نیست (که آنها درباره معاد می‌پندارند) بلکه نامه اعمال نیکان در «علتین» است.* و تو چه می‌دانی «علتین» چیست؟! * نامه‌ای است رقم خورده (و حکمی است قطعی)، * که مقرّبان شاهد آنند». مطففین، ۱۸ - ۲۱.

۶. «هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد. و شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم؛ و به سوی ما بازگردانده می‌شوید». انبیا، ۳۵.

۷. «از شرّ و وسوسه‌گر پنهانکار * که در درون سینه مردمان وسوسه می‌کند». ناس، ۴ و ۵.

۸. «هرگز چنین نیست (که آن‌ها درباره قیامت می‌پندارند)، به یقین، نامه اعمال بندگان در «سجین» است». مطففین، ۷.

۹. «پس در سلک بندگان (خالص) من در آی * و در بهشتم وارد شو». فجر، ۲۹ و ۳۰.

۱۰. «بگو: آیا به شما خبر دهم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ * همان کسانی که سعی و تلاش‌شان در

تنها کسانی در این کشاکش حق و باطل، خیر و شر، به سعادت حقیقی و جایگاه واقعی روح انسانی، نایل می‌شوند و به سعادت و رستگاری می‌رسند، که درکی از حقیقت جان خویش داشته باشند و به پاکی‌های آن واقف شوند. کسانی که بخواهند روح را از منجلاب آلودگی به ناپاکی‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی خارج کنند،^۱ سپس با اتکالی به قدرت لایزال الهی و استعانت از او و تمسک همه جانبه به وسایط فیضش، به مبارزه مستمر و مجدّدانه با گناهان و آلودگی‌ها برخیزند.^۲ وسایطی که با توجه خالص به عالم آخرت، دامن از توجه به غیر حق تعالی، بالا زده‌اند و خداوند متعال ایشان را از همه ناپاکی‌ها، دور داشته و پاک گردانیده است.^۳ انسان سالک، تنها با همراهی و تبعیت از ایشان می‌تواند به آن مقصد عالی نایل گردد.^۴

به جهت اهمیت این سیر و تحریک انسان به حرکت در این مسیر پربار، خداوند متعال با بیان سوره‌ای به آفریده‌های خویش و آفریننده آن‌ها می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَكَانَ مِنَ السَّاهَا»؛^۵ به راستی کسی که نفس خود را (از آلودگی‌ها) پاک کند به رستگاری رسیده است و کسی که آن را در ناپاکی‌ها فرو ببرد ناکام شده است.

زندگی دنیاگم (و نابود) شده در حالی که می‌پندازند کار نیک انجام می‌دهند. کهف، ۱۰۳ و ۱۰۴.

۱. «به یقین مؤمنان رستگار شدند * آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند * و آن‌ها که از لغو و بی‌هودگی رویگرداندند * و آن‌ها که به (دستور) زکات عمل می‌کنند * و آن‌ها که دامن خود را حفظ می‌کنند؛ * جز در مورد همسران و کنیزانشان، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند * و کسانی که جز این را طلب کنند، تجاوزگرند. * و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند؛ * و آن‌ها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند * (آری،) آن‌ها وارثانند. * (وارثانی) که بهشت برین را به ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند. مؤمنون، ۱ - ۱۱».

۲. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید». مائده، ۳۵.

۳. «و به خاطر بیابور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان قدرت و بصیرت. * ما آن‌ها را با خلوص و بی‌وای خالص گردانیم، که همان یادآوری سرای آخرت بود. * و آن‌ها نزد ما از برگزیدگان و نیکان بودند». ص، ۴۵ - ۴۷.

۴. «و کسانی که خدا و پیامبر را اطاعت کنند، (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهند بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده از پیامبران و صدّیقان و شهدا و صالحان و آن‌ها همنشین خوبی هستند». نساء، ۶۹.

۵. «(قسم به این آیات الهی) که هر کس نفس ناطقه خود را از گناه و بدکاری پاک و منزّه سازد به یقین (در دو عالم) رستگار خواهد بود * و هر که او را (به کفر و گناه) پلید گرداند البته (در دو جهان) زیانکار خواهد گشت». شمس، ۹ و ۱۰.

بنابر این مقام خلافت الهی برای انسان، تنها در پرتو بندگی خالصانه حق تعالی^۱ حاصل می‌شود. این امر، با اطاعت مستمر و همه جانبه از اولیای او، تحقق می‌یابد^۲ که لازمه آن، به کار بستن عقل و عمل صحیح به وظایف بندگی در شئون گوناگون زندگی و همراه کردن قوای ادراکی و صفات نفسانی است که در پرتو تبعیت از پیشوایان حق، بدست می‌آید. پیشوایانی که امر به هدایتگری و دستگیری از مردم شده‌اند^۳ و فعل خیرات و اعمال نیک، از عالم غیب به آنان وحی شده است.^۴

مسیر کمال دارای مراتبی است،^۵ هر مقدار انسان به اصول سیر به سوی کمال - بگونه‌ای که خداوند و اولیایش خواسته‌اند - ملتزم شود، از آن بهره‌مند می‌گردد^۶ و سلوک معنوی محقق می‌شود و در بازگشت به سوی خداوند متعال، به عالی‌ترین درجات دست می‌یابد و کمال حقیقی را نشان ظهور پیدا می‌کند.^۷

• محمد باقر تحریری

جمادی الاولی ۱۴۴۵

www.ketab.ir

۱. «و به آن‌ها دستوری داده نشده بود جز این که خدا را بپرستند و دین خود را برای او خالص کنند و به توحید بازگردند و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند و این است دین پایدار». پینه، ۵.
۲. «تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمائید». شعرا، ۱۰۸.
۳. «و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند چون شکیبایی نمودند. و به آیات ما یقین داشتند». سجده، ۲۴.
۴. «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند و انجام کارهای نیک ... را به آن‌ها وحی کردیم». انبیا، ۷۳.
۵. «و برای هر کدام درجاتی است بر طبق اعمالی که انجام داده‌اند، تا خداوند کارهایشان را بی‌کم و کاست به آنان باز پس دهد و آن‌ها مورد ستم واقع نمی‌شوند». احقاف، ۱۹. «خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است». مجادله، ۱۱.
۶. «و برای هر یک (از این دو دسته)، درجات (و مراتبی) است از آنچه عمل کردند و پروردگارت از اعمالی که انجام می‌دهند، غافل نیست». انعام، ۱۳۲.
۷. «ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد. * اما کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، * بزودی به آسانی به حساب او رسیدگی می‌شود، * و خوشحال به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد».